

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ف.م. هاشمی
۰۳ جولای ۲۰۲۲

چگونه ناسیونالیست‌های اوکراین به استخدام «سیا» درآمدند



تمامی گروه‌های نئونازی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی در اوکراین شکل گرفتند، استفان باندرا و مایکولا لید را پدران جنبش خود می‌دانند و مانند ایشان، از سیا و دستگاه اطلاعاتی انگلیس دستور می‌گیرند. ۵/۸ میلیون برگ سند مربوط به جنگ جهانی دوم و همکاری ناسیونالیست‌های اوکراین با المان نازی، که توسط دولت جاپان، دفتر خدمات استراتژیک امریکا، سیا، اف بی ای، و سازمان اطلاعات ارتش امریکا در سال ۱۹۹۸ منتشر گردید، مهر سیاهی بر پیشانی ناسیونالیسم افراطی اوکراین، از دیروز تا امروز می‌کوبد. ناسیونالیست‌های امروز اوکراین، با الهام از آموزه‌های نئونازی پدران خود، و تحت هدایت سیا، امروز نیز جنگی نیابتی را در منطقه برپا کرده و آن را همچنان ادامه می‌دهند.

اغلب می‌شنویم که ایالات متحده و ناتو، نئونازی‌های اوکراین را آموزش داده، تأمین مالی کرده و مورد حمایت سیاسی قرار می‌دهند. اگر این ادعا صحت داشته باشد، باید پرسید که هدف از این کار چیست؟ برای این که به پاسخ این سؤال برسیم، باید نگاهی به ریشه‌های تاریخی ناسیونالیسم اوکراین و رابطه آن بادرگاه‌های اطلاعاتی امریکا و ناتو بیندازیم. پیدایش ناسیونالیسم اوکراین، آنچنان که امروز از آن یاد می‌شود، ریشه در قرن بیستم دارد. اما، قبل از این، چند گرهگاه مهم تاریخی وجود دارد که باید به آن پرداخت. «کیوان روس» (Kievan Rus)، فدراسیونی در شمال شرقی اروپا بود که از اواخر قرن نهم تا نیمه قرن سیزدهم، به حیات خود ادامه داد و ملل مختلف اسلاو شرقی، بالتیک و فنلاندی را در خود جای می‌داد. این فدراسیون، توسط خاندان «روریک» (Rurik dynasty) اداره می‌شد. امروزه، بلاروس، روسیه و اوکراین، در این سرزمین قرار دارند و ملت کیوان روس را اجداد فرهنگی و تاریخی خویش می‌شناسند. کیوان روس

در دهه ۱۲۴۰ با حمله مغول برچیده شد اما بخش‌هایی از خاندان روریک همچنان بر بخش‌هایی از فدراسیون کیوان روس، که اکنون پادشاهی گالیسیا - وولینیا نامیده می‌شد و اوکراین، بلاروس و دوکنشین مسکو را نیز شامل می‌گردید، به حکومت خود ادامه دادند. پادشاهی گالیسیا - وولینیا در قرن چهاردهم، واسال دولت «ترکان طلایس» (Golden Horde) بود که اصالتاً مغول بودند اما بعدها به خانات ترک در بخش شمال غربی امپراتوری مغول تبدیل شدند. پس از مسمومیت یوری بولسلاو دوم پادشاه گالیسیا در سال ۱۳۴۰، جنگ داخلی و مبارزه قدرت میان لیتوانی، پولند و هنگری بالا گرفت که تا سال ۱۳۹۲ ادامه یافت. این جنگ، به «جنگ‌های گالیسیا - وولینیا» معروف شده‌اند. در قرن هفدهم، کوزاک‌ها، تاتارهای کریمه و دهقانان اوکراین متحد شدند و به مبارزه با سلطه پولند بر منطقه پرداختند. از خملنتسکی (khmelnysky) فرمانده کوزاک در این جنگ‌ها، تا امروز به‌عنوان قهرمان ملی در تاریخ اوکراین یاد می‌شود. در قرن هجدهم، اتحاد مشترک‌المنافع پولند - لیتوانی رو به افول گذاشت و نهایتاً به سه سلطنت هابسبورگ، پروس، و روسیه تقسیم شد. پادشاهی هابسبورگ نیز در قرن نوزدهم به امپراتوری اتریش - هنگری تبدیل شد و بخش عمده وولینیا هم به امپراتوری روسیه پیوست. پس از جنگ جهانی اول، ۱۱ کشور مستقل در شرق اروپا و غرب آسیا پدیدار شدند که اوکراین یکی از آنها بود. با خروج المان از صحنه، و تجزیه امپراتوری اتریش - هنگری و انحلال امپراتوری روسیه، پولند و اوکراین به‌عنوان کشورهای مستقل در صحنه اروپا ظاهر شدند.

حکومت هابسبورگ، با اقلیت‌های قومی به مدارا رفتار می‌کرد. به همین دلیل، جنبش‌های ناسیونالیستی در پولند و اوکراین پا گرفتند و هر کدام از آنها، قلمرو گالیسیا را از آن خود می‌دانست. گالیسیای غربی به مرکزیت «کاراکوف» اکثریت پولندی داشت در حالی که گالیسیای شرقی دارای اکثریت اوکراینی بود. جنگ پولند - اوکراین که قریب به یکسال به درازا کشید و در جولای ۱۹۱۹ به پایان رسید، با پیروزی پولند و تسلط دوباره این کشور بر گالیسیا همراه بود. جنگ شوروی - پولند نیز که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ ادامه پیدا کرد، با یک سلسله جنگ در اوکراین همراه بود که هدف تشکیل جمهوری اوکراین را دنبال می‌کرد. در سال ۱۹۲۲، قلمرو اوکراین بین جمهوری‌های شوروی، پولند، رومانی و چکسلواکی تقسیم شد. بخش عمده این سرزمین، در قلمرو جمهوری شوروی اوکراین قرار گرفت. در این حال، سازمان ناسیونالیست‌های اوکراین (OUN) به سال ۱۹۲۹ در گالیسیای شرقی (در پولند) تشکیل شد و خواستار استقلال یک اوکراین متحد و به لحاظ قومی یکدست گردید. از همان آغاز تشکیل این سازمان، میان دانشجویان جوان عضو این سازمان و کهنه سربازان رهبری، اصطکاک به‌وجود آمد. جوانان خواستار مبارزه زیرزمینی با پولند بودند و از روش‌های بسیار خشن و بی‌رحمانه در این مبارزه استفاده می‌کردند.

با ترور وزیر کشور پولند توسط عناصر تندرو وابسته به ناسیونالیست‌های اوکراین در سال ۱۹۳۴، استفان باندرا (S. Bandera) و مایکولا لید (M. Lebed) رهبران این سازمان دستگیر شدند اما با حمله المان نازی به پولند در سال ۱۹۳۹، از زندان گریختند. در آستانه جنگ جهانی دوم، بر محبوبیت سازمان ناسیونالیست‌های اوکراین افزوده شد تا جایی که ۲۰ هزار عضو و چندین برابر هوادار داشت. در سال ۱۹۴۰، سازمان ناسیونالیست‌های اوکراین، به دو شاخه تحت رهبری آندره ملنیک (A. Melnyk) و استفان باندرا تقسیم شد و اکثریت سازمان، به جناح باندرا پیوست.

پس از حمله المان نازی به اوکراین در سال ۱۹۴۱، نیروهای مهاجم مورد استقبال هر دو جناح سازمان ناسیونالیست‌های اوکراین قرار گرفتند. آنها نیروهای مهاجم را «منجی اوکراین» معرفی می‌کردند در حالی که بسیاری از مردم اوکراین، شانه به شانه ارتش سرخ، با ارتش مهاجم المان نازی می‌جنگیدند. ناسیونالیست‌های اوکراین، رابطه نزدیک با نازی‌ها برقرار کردند و اندیشه «نژاد ناب» (pure race) را از آنها به وام گرفتند.

در اپریل ۱۹۴۵، ارتش المان هیتلری متحمل شکستی سخت گردید. نیروهای متفقین با عبور از پلی که بر رودخانه راین بستند، به داخل المان سرازیر شدند. از شرق نیز ارتش سرخ، پیشروی به سوی برلین را آغاز کرد. با پایان گرفتن جنگ در مه ۱۹۴۵، حدود ۳/۲ میلیون پناهنده در مناطق تحت تسلط نیروهای غربی، آواره بودند که بیشتر آنها اتباع اروپای شرقی بودند. سازمان‌های اطلاعاتی غرب در تماس با این پناهنجویان، جاسوس‌هایی را به استخدام خود درآوردند. به موازات تیره شدن روابط میان متفقین دیروز و رقبای امروز، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، رابطه با این مهاجران را گسترش داد که جامعه مهاجران اوکراینی، یکی از مهم‌ترین آنها بود. ناسیونالیست‌های اوکراین که در میان مهاجران فعال بودند، آموزه‌های نازی را همچنان زنده نگه می‌داشتند. گروه‌های نئونازی اوکراین که در این دوران شکل گرفتند، پس از فروپاشی شوروی، روس‌های دونباس راتحت فشار و تعدی قرار دادند. اعضای این گروه‌ها، در واقع نوادگان و نزدیکان ۸۰ هزار داوطلبی هستند که به استخدام گشتاپو درآمده بودند.

بدین ترتیب، شاید بتوان نخستین عملیات مخفیانه "سیا" علیه حکومت شوروی را در سال ۱۹۴۶، به صورت نفوذ در جنبش‌های ناسیونالیستی اوکراین مشاهده کرد. واحد خدمات ستراتیژیک آمریکا که بعدها دفتر خدمات ستراتیژیک (OSS) نام گرفت، با نیروی مقاومت ضد شوروی تماس برقرار کرد و مسؤلی را برای کار در اروپا گماشت و از او خواست تا قبل از هرگونه همکاری با این گروه‌ها، اطلاعات کاملی از تاریخ، عملکرد و عقاید آنها جمع‌آوری نماید. چند گروه مهم از این اوکراینی‌های مهاجر، تمایلات فاشیستی داشته و با نیروهای المان نازی همکاری کرده بودند. یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها، سازمان ناسیونالیست‌های اوکراین به رهبری لید بود که نمایندگی شورای عالی آزادیبخش اوکراین در خارج از کشور را نیز برعهده داشت. سازمان اطلاعاتی آمریکا، لید را برای همکاری مناسب تشخیص داد. استنفان باندرای نیز مورد شناسایی آمریکا قرار گرفت. او به خاطر عملیات تروریستی گسترده‌اش، شهرت فراوان کسب کرده بود و پس از انشعاب در سازمان ناسیونالیست‌های اوکراین، بخش عمده اعضای و هواداران را جذب کرده بود. باندرای در عملیات تهاجمی ارتش هیتلر علیه شوروی به نام «بارباروسا» با ارتش نازی همکاری فعال داشت.

پس از جنگ، نخستین همکاری عملی دو طرف، به اواسط سال ۱۹۴۶ در قالب پروژه «ترایدنت» (Traident) بازمی‌گردد. موضوع این عملیات، شناسایی عوامل نفوذی شوروی در مناطق تحت کنترل غرب بود. در پروژه‌های بعدی نیز موضوع شناسایی جاسوس‌های دوطرفه در دستور کار قرار گرفت. اما برخی تکروی‌های گروه‌های ناسیونالیستی اوکراین در اروپا (قتل مخالفان، انتشار اسناد هویتی جعلی و ...) موجب قطع امید "سیا" از شاخه اروپایی سازمان ناسیونالیست‌های اوکراین گردید و "سیا" در گزارشی اعلام کرد که اطلاعات دریافتی از این عناصر، دیگر ارزش همکاری با آنها را ندارد. بدین ترتیب، سیاست "سیا" در قبال مهاجران اوکراینی تغییر کرد و از جناح باندرای به سوی جناح لید گرایش پیدا کرد. اکنون هدف "سیا"، فقط کسب اطلاعات از ناسیونالیست‌های اوکراینی نبود، بلکه کمک به ایشان نیز بود.

در سال ۱۹۴۹، نخستین عملیات "سیا" در قالب پیاده کردن دو تن از رهبران جنبش ناسیونالیستی اوکراین در خاک این کشور، در نزدیکی شهر لووف، شکست خورد. در سال ۱۹۵۰، آمریکا و انگلیس بر سر عملیات در اوکراین به توافق رسیدند ضمن این که آمریکا از جناح لید و انگلیس از جناح باندرای حمایت می‌کرد. در سال ۱۹۵۲، سازمان "سیا" به سازمان مهاجرت آمریکا فشار وارد آورد تا اجازه ورود لید به این کشور را صادر کند به نحوی که او بتواند به خاک آمریکا وارد و از این کشور خارج شود. اما سازمان مهاجرت، به این خواسته تن درنماد. در ۵ مه ۱۹۵۲ آلن دالس معاون وقت "سیا"، در نامه‌ای به سازمان مهاجرت آمریکا نوشت: «بسیار ضروری است که نامبرده (لید) بتواند آزادانه میان آمریکا و اروپای غربی تردد کند بدون آن که توجه رسانه‌ها را به خود جلب نماید...» سازمان مهاجرت آمریکا،

پس از این نامه، دیگر مسأله را پیگیری نکرد و لید به شهروند دائم امریکا تبدیل شد. باندر نیز که پس از جنگ در المان غربی ساکن شده و با سازمان‌های ضد کمونیستی اروپا و دستگاه اطلاعاتی انگلیس همکاری می‌کرد، در سال ۱۹۵۹ در مونیخ ترور شد. پس از ترور باندر، اروپا و امریکا بر روی لید سرمایه‌گذاری کردند و سیا او را به‌عنوان تنها رابط امریکا با مسأله اوکراین، به رسمیت شناخت.

از سال ۱۹۵۳ به بعد، سیاست امریکا کاملاً تغییر کرد. این کشور با تأسیس یک انستیتوت تحقیقاتی در نیویورک زیر نظر مایکولا لید، دست به انتشار اسناد ضد شوروی زد و این روش را تا آستانه فروپاشی شوروی ادامه داد. طی این سال‌ها، تلاش "سیا" برای نفوذ در پرده آهنین به کمک عناصر ناراضی اوکراین، شکست خورد و تنها به فروریختن تعدادی شب‌نامه بر فراز خاک اوکراین، محدود ماند. در این دوره، ناسیونالیسم اوکراینی به روایت لید، مورد تشویق و حمایت "سیا" قرار گرفت تا شاید این قصاب اوکراین بتواند روح و جان ملت اوکراین را دوباره تسخیر نماید. لید در سال ۱۹۷۵ بازنشسته شد، اما همچنان به‌عنوان مشاور مقامات امریکائی به‌کار خود ادامه داد. در سال ۱۹۸۵، دفتر حسابرسی عمومی امریکا، با انتشار اسنادی، نام لید را به‌عنوان یکی از عناصر مهم اوکراین که با نازی‌ها همکاری کرده است، به "سیا" معرفی کرد و از دفتر تحقیقات ویژه دادگستری خواست تا در این مورد به تحقیق بپردازد. "سیا" با دستپاچگی به مخالفت برخاست و لذا، کار در نیمه راه متوقف ماند. مایکولا لید در سال ۱۹۹۸، در حالی که تحت حفاظت سیا قرار داشت، در نیوجرسی امریکا درگذشت.

مجموعه نامه‌ها و اسناد جنبش ملی اوکراین و چهره‌های شاخص آن، اکنون در انستیتوت تحقیقات اوکراین، وابسته به دانشگاه هاروارد، نگهداری می‌شود. از طریق این اسناد می‌توان به تاریخ جنبش ناسیونالیستی اوکراین و عمق رابطه آن با "سیا" و دستگاه اطلاعاتی انگلیس پی برد. تمامی گروه‌های نئونازی که پس از فروپاشی اتحاد شوروی در اوکراین شکل گرفتند، استفان باندر و مایکولا لید را پدران جنبش خود می‌دانند و مانند ایشان، از "سیا" و دستگاه اطلاعاتی انگلیس دستور می‌گیرند. ۵/۸ میلیون برگ سند مربوط به جنگ جهانی دوم و همکاری ناسیونالیست‌های اوکراین با المان نازی، که توسط دولت جاپان، دفتر خدمات ستراتیژیک امریکا، "سیا"، اف بی ای و سازمان اطلاعات ارتش امریکا در سال ۱۹۹۸ منتشر گردید، مهر سیاهی بر پیشانی ناسیونالیسم افراطی اوکراین، از دیروز تا امروز می‌کوبد. ناسیونالیست‌های امروز اوکراین، با الهام از آموزه‌های نئونازی پدران خود، و تحت هدایت سیا، امروز نیز جنگی نیابتی را در منطقه برپا کرده و آن را همچنان ادامه می‌دهند.

منابع و مأخذ

- ۱- how the Ukrainian nationalist movement post-wwII... , www.strategic-culture.org
- ۲- the origins of CIA relationship with Ukrainian nationalists , www.cia.gov
- ۳- the CIA has backed Ukrainian insurgents , www.latimes.com
- ۴- A CIA cold warrior on intelligence war over ukraine , www.newlinesmag.com
- ۵- Nationalism and Fascism in Ukraine , www.wsws.org

۰۸ سرطان ۱۴۰۱